



آینده پژوهی دیپلماسی آب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی افغانستان و ترکمنستان

معصومه زهیری^۱، امیر هوشنگ میر کوشش^۲، سعید کامیابی^۳

چکیده:

آب حیاتی ترین منبع طبیعی برای جوامع است که از مرزهای کشورها به روشی نسبتاً آسان عبور می کند. این امر استفاده و تخصیص آن را اغلب سیاسی کرده و منجر به ایجاد ترتیبات مختلف همکاری آب فرامرزی به ویژه در حوزه رودخانه های مشترک چندین کشور می شود. همچنین این منبع ارزشمند در بین کشورهای برخوردار از حوضه آبریز مشترک همواره تنش زا و رقابت آفرین بوده است. با تشدید این رقابت بر سر آب بین بخش ها، کشورها و مناطق همراه با پتانسیل آب، وقوع درگیری ها افزایش یافته و ثبات و صلح را در همه مقیاس ها به خطر می اندازد. با توجه به این مسئله، توزیع نامتوازن آن در مناطق مختلف جهان و مشترک بودن بسیاری منابع آبی بین کشورها، ضرورت استفاده از دیپلماسی آب گریزناپذیر است. دیپلماسی آب مفهومی نوظهور برای پرداختن به ماهیت سیاسی همکاری های فرامرزی و پیوند آب با همکاری های گسترده تر منطقه ای، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی است. پژوهش حاضر با هدف آینده پژوهی دیپلماسی آب در سیاست خارجی ایران با روش پژوهش ترکیبی انجام شده است. مبتنی بر یافته های پژوهش، نخست این نتیجه حاصل شد که وضعیت هیدروپلیتیک ایران در زمینه رودخانه های مرزی با افغانستان علی رغم توافقنامه های دو جانبه همواره توأم با چالش هایی بوده و با ترکمنستان همراه با عمل به تعهدات دو

۱ - دانشجوی دکترای علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

amkooshesh@gmail.com

۳ - دانشیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.



جانبه بوده است. ثانياً نظام سیاست‌گذاری، مناسبات سیاسی، امنیت ملی و دیپلماسی اقتصادی به عنوان سیاست‌های راهبردی موثر بر مناسبات دیپلماسی آب از اثربخشی مستقیمی در سیاست خارجی ایران دارند. در نهایت مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی، پایش یکسویه منابع در برابر راهبرد تعاملی و همگرایی، مهار و پایش منابع آبی و تنش و منازعه به عنوان سناریوهای محتمل بر آینده مناسبات دیپلماسی ایران، افغانستان و ترکمنستان ارائه شدند.

کلیدواژگان: رودخانه‌های مرزی و فرامرزی، دیپلماسی آب، آینده‌پژوهی، ایران، افغانستان، ترکمنستان

۱- مقدمه :

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در قرن بیست و یکم امنیت آبی و امنیت غذایی پایدار در برابر جمعیت روبه افزایش، رشد و گسترش صنعت، تغییرات آب‌وهوایی و رشد تقاضا برای منابع کمیاب آب است. این چالش پیامدهای سیاسی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی دارد. این موضوع به ویژه در مناطق کم بارش که ذخیره‌ی آبی اندک دارند سبب می‌شود تلاش برای تأمین آنها در کانون توجه قلمروداران قرار گیرد. آب بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ماست. دامنه تأثیر و نفوذ آن از نیازهای فردی روزانه تا پیچیده‌ترین فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. ماهیت آب به گونه‌ای است که در یک مکان ساکن نبوده و به صورت جاری از جایی به جای دیگر تغییر مکان می‌دهد. این ویژگی به همراه مرزهای ملی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی جهان موجب شده اختلاف، همکاری و مذاکره بر سر منابع آب، همچنین مدیریت آن، مسائل زیست محیطی و نقش آب در توسعه اقتصادی، بخش جدایی‌ناپذیر تعاملات کشورها با یکدیگر و سیاست خارجی آنها تلقی شود که از آن به عنوان "دیپلماسی آب" یاد می‌شود. این دیپلماسی آب می‌تواند دامنه بحران بین‌المللی آب را از ایران دور می‌کند.

مبحث بعدی مورد نظر، بحث سیاست‌گذاری عمومی بخصوص در مورد آب و بروکراسی آب بعنوان نوعی نگاه آگاهانه هوشمندانه در زمینه انتخاب میان دو راه جاگزینی برای اداره جوامع و راه حل از بین رفتن مناقشات کشورها می‌تواند باشد. دغدغه قابل ارائه بعدی بحث "منابع آب و نیز مدیریت بهینه این منابع و تأمین آن" می‌باشد که برای تشخیص و سنجش میزان کلی جریان آب

های داخلی و یا خارجی، آب های سطحی و آب های زیرزمینی بکار می رود. منابع آب تجدید پذیر منبع اصلی آب برای انسان هستند اما بخشی از این جریان ها قابل بهره برداری و به شکل موثری قابل استفاده هستند زیرا امکانات موجود برای استفاده بهینه از منابع محدود و به طور نامنظم قابل اجراست، افزون بر آن معیارهای اجتماعی اقتصادی و زیست محیطی بر میزان بهره برداری تأثیر دارند، و در مناطق مختلف، از میزان متفاوتی برخوردارند. از این رو، نمی توان منابع آب تجدیدپذیر را یک موضوع تعریف واحد یا جهانی دانست.

امنیت و عدالت آب دغدغه بعدی بحث این پژوهش است که گرچه تردیدی نیست که منابع آب برای دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار ضروری هستند اما امنیت آب، پیش نیاز بهبود سیاست گذاری و لازمه دستیابی به اهداف توسعه هزاره است. سیاستها برای دستیابی به امنیت آب در کشورهای مختلف بسته به نیازها و ویژگی های آن کشور متفاوت است اما به طور کلی ممکن است به چهار دسته عمده تقسیم بندی شود که عبارتند از مدیریت عرضه و تقاضای آب، بهبود وضعیت محیط زیست و منابع آب، توسعه خدمات بهداشتی و تامین آب و نیز سازگاری با رویداد های هیدرولوژیکی.

اما جنبه های مختلف "مدیریت منابع آب"، تا اوایل دهه ۱۹۹۰ (ازجمله کیفیت آب، آب زیرزمینی، دستیابی به بهداشت آب، آبیاری، برق آبی و...) اغلب به طور مجزا، مستقل و در نهادهای متفاوت مدیریت می شد. پژوهشگران مدیریت منابع آب بنا به ضرورت و برای حل این مشکل، شیوه ای برای مدیریت منابع آب پیشنهاد کردند که تأمین حداکثری منافع متضاد همه ذی نفعان را امکان پذیر کند. روش چندبخشی، هماهنگ، چند رشته ای، مشارکتی، انعطاف پذیر و شفاف اصطلاحاً «مدیریت جامع منابع آب» نامیده می شود. نظر به اهمیت دیپلماسی در حل و فصل مسائل کشورهایی که دارای رودخانه های مشترک هستند و همینطور مدیریت منابع آب و بهره گیری عادلانه کشورهای با حوزه های مشترک آبی مساله این تحقیق فهم دیپلماسی آب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رودخانه های مرزی با افغانستان و ترکمنستان است. این مساله مهمی است که فرا روی نظام تصمیم گیری سیاسی کشورمان قرار دارد و امروزه قاعده منع توسل به زور در روابط بین الملل، در کنار قاعده الزام به فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، حکم می کنند که اگر برای حل این اختلافات راه حل حقوقی پیدا نشد، اختلافات مزبور سیاسی



تلقی گردد. دیپلماسی از مهمترین راهکارهای حل منازعات در عرصه اختلافات بین المللی است به ویژه اگر از طریق حقوقی پاسخ مناسبی دریافت نشده باشد.

۲- مواد و روشها :

۲-۱- تعاریف و مفاهیم :

هیدروپلیتیک

اصطلاح هیدروپلیتیک اولین بار در سطح جهان در سال ۱۹۷۹ توسط دکتر واتربری ابداع شده است. الهانس هیدروپلیتیک را مطالعه نظام مند تعارض و همکاری بین کشورها بر سر منابع آب تعریف کرده است که از مرزهای بین المللی فراتر می رود. هیدروپلیتیک به معنی توان بالقوه برخورد و خشونت یا تفاهم و مدیریت بر سر آبهای بین المللی است که اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است (کریمی و همکاران: ۱۳۹۹، ۱۸). هیدروپلیتیک به توانایی نهادهای ژئوپلیتیکی مربوط می شود تا منابع آب مشترک را به نحوی از نظر پایدار بودن تنش و درگیری بین واحدهای سیاسی - فضایی مدیریت کند. آب یک موضوع پیچیده ای است و انتظار می رود که هیدروپلیتیک این پیچیدگی را منعکس کند (خمیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). هیدروپلیتیک در معنا و مفهوم به بررسی ابعاد مکانب و فضایی آب و سیاست در مقیاسهای جغرافیایی مختلف و برهم کنشهای میان آن دو می پردازد (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۵۵). آنتونی تورتون (۲۰۰۲) اساس تعریف خود از هیدروپلیتیک را بر امر توزیع قرار می دهد و بر پایه آن هیدروپلیتیک را تخصیص آمرانه ارزشها در جامعه با محوریت آب تعریف می کند (کاویانی راد، ۱۳۹۸: ۲۵). به سیاستهایی که تحت تاثیر در دسترس بودن آب و منابع آبی که یک ضرورت برای همه اشکال زندگی و پیشرفت بشریت می باشد نیز هیدروپلیتیک می گویند (مختاری منش، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، می توان هیدروپلیتیک را دانش مطالعه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست محیطی است. با نگاهی به ادبیات و متون هیدروپلیتیک، چهار گرایش قابل تشخیص است:

- آب، منازعه و همکاری
- آب و محیط زیست
- آب و امنیت

- آب، جامعه و فرهنگ.

در این بین، آب و امنیت سومین گرایش مطالعاتی در هیدورپلیتیک است که توجه بسیاری را به سوی خود جلب کرده است. چالش‌های امنیتی رقابت بر سر منابع در حال کاهش آب که در یک زمینه وسیع تر امنیت زیست‌محیطی را نیز شامل می‌شود. این امر به این جهت است که آب جایگزین ندارد و تنها ماده ای است که وجود آن برای تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و بقای موجودات ضروری است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵).

- دیپلماسی

دیپلماسی به معنای فرایند ارتباط بین بازیگران بین‌المللی (سیاستمداران و سران کشورهای جهان، عراقچی، ۱۳۹۶) است که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل کنند. بنابراین دیپلماسی با تلاشهایی برای مدیریت و ایجاد نظم در محدوده یک نظام جهانی در ارتباط است و هدف از آن، ممانعت از تبدیل تعارض به جنگ است. در چشم‌انداز خرد، دیپلماسی را می‌توان ابزاری سیاسی تلقی کرد که بازیگران بین‌الملل از آن برای اجرای سیاست خارجی استفاده می‌کنند تا بتوانند به اهداف سیاسی خود برسند.

- دیپلماسی آب

به دلیل جریان دائمی آب از محلی یا کشوری به محلی یا کشوری دیگر و به دلیل وجود مرزهای سیاسی کشورهای مختلف در مسیر شماری از این جریان‌های آبی، برخی اختلافها و به تبع آن، گفت‌وگوها و همکاریها بر سر مدیریت این منابع مشترک در قالب سیاست خارجی کشورهای جهان پدید آمده که این بخش از سیاستها خارجی کشورها به دیپلماسی آب معروف شده است (عراقچی، ۱۳۹۶: ۳).

دیپلماسی به دنبال راه‌حل و مذاکراتی است که از طریق علم و فن آوری برای حل مشکل میسر می‌باشد و در سیاست خارجی کشورها و دیگر بازیگران عرصه بین‌الملل نقش مهمی ایفا می‌کند و در سیاست جهانی مفهومی کلیدی است.

دیپلماسی آب یکی از موضوعات جدید و کاربردی در مباحث روابط بین‌الملل و بویژه در بخش سیاست خارجی می‌باشد که توسط بازیگران دولتی و غیردولتی به پیشگیری، مدیریت، حل و فصل مسالمت آمیز و کاهش منازعات آبی در حوضه آبهای مرزی و فرامرزی می‌پردازد. اهمیت پرداختن به این موضوع از آنجا روشن می‌شود که آب به عنوان یک عنصر استراتژیک و حیاتی



در تمام بخش های توسعه ای کشورها، نقش اولیه و اساسی بازی می کند و جهان کنونی با معضل آب و تنش های آبی رو به رو می باشد و طبق نظر متخصصان و کارشناسان مختلف جنگ های آینده بر سر آب خواهد بود. این تنش ها بر سر موضوعات مختلف آبی از جمله کیفیت و کمیت در بسیاری از مواقع حاد و گاهی منجر به جنگ شده است (جوادی، ۱۳۹۹: ۲). دیپلماسی آب روشی است که تلاش می کند راه حل های معقول، پایدار و صلح آمیز را ارائه دهد. یکی از ابزارهای اصلی دیپلماسی آب، تسهیل گفتگو و پیدا کردن راه حلی برای اعتماد و تقویت همکاری بین دولتها است.

دیپلماسی آب در محافل سیاسی جایگاه بالایی دارد. به طوری که در گفتگوهای سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، ایرینا بوکوا مدیر کل یونسکو خواستار تعهد مجدد به دیپلماسی آب به عنوان ابزاری برای جهانی صلح آمیز شد (UNESCO: ۲۰۱۲). دیپلماسی آب معمولاً به عنوان تماس و ارتباط دوجانبه و چندجانبه بین بازیگران دولتی و یا بازیگران غیردولتی بر سر منابع آبهای فرامرزی با هدف بازدارندگی در گیرها و ترویج شناخته و فهمیده می شود.

دیپلماسی آب به معنی توان بالقوه درگیری و خشونت یا بر عکس همکاری و مدیریت بر سر مدیریت منابع آب مشترک و بین المللی است که با ادامه روند کمبود یا در بعضی موارد بحران آب در سالهای اخیر، بسیار به آن توجه شده است. دیپلماسی آب، توانایی کشورهای ذی نفع در مدیریت آبهای مشترک است تا یک وضعیت پایدار سیاسی به دست آید؛ یعنی از منابع آبی مرزی و بین المللی بدون هیچ گونه تنش یا درگیری بین طرف های صاحب حقا به استفاده پایدار شود (محمودی و حکمت آرا، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

دیپلماسی آب به صور مختلف تعریف شده است؛ با این حال، تعریف کنندگان درک مشترکی از اهمیت داشتن منافع چند بعدی و دارای ینفعان متعدد در روند همکاری دارند. پیشگیری و حل منازعات آبی عمدتاً نتیجه فرآیندهای تحقیق و دستیابی به حقایق، مذاکره، میانجی گری و مصالحه است که ریشه در درک مستمر از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و زمینه سیاسی دارد که مستلزم آن است با ارزیابی صحیح و تجزیه و تحلیل یکپارچه از سیستم آب پشتیبانی و حمایت شود.

- آبها و رودها مرزی

موقعیت خاص جغرافیایی کشورها گاهی با رودها گاهی با کوهها و یا تقسیمات جغرافیایی دیگر مشخص می گردد رودهای مرزی نقش مهمی در روابط بین کشورها دارند. رودخانه های مرزی علاوه بر داشتن اهمیت استراتژیک در تعیین خطوط مرزی، به شیوه های مختلف برای توسعه کشاورزی، رونق بخش صنعت و تامین آب شرب مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرند. رودهای مرزی می توانند موجب تنش یا همکاری و تعامل بین کشورهای همسایه بوده باشند. آبها و رودها عامل مهم توسعه اقتصادی دو سوی مرزها می توانند باشند. و برعکس طغیان ها یا تغییر مسیر رودخانه ها در بلند مدت می تواند تهدیدهایی را برای کشوری که خاک خود را بهرور از دست می دهد ایجاد می نماید. (ممتاز، ۱۳۸۷)

- آب های فرامرزی

مطالعات مربوط به آب در زمره دانش های بین رشته ای قرار دارد، این ویژگی سبب شده تا صاحب نظران از روش شناسی های گوناگون برای درک و فهم ابعاد گوناگون آب در زندگی انسان استفاده کنند که خود بر پیچیدگی موضوع می افزاید. آب های فرامرزی مسأله ای محوری در سیاست جهانی به شمار می رود. در حال حاضر ۱۴۸ کشور به صورت کامل یا نسبی در حوضه رودهای بین المللی قرار دارند و این کشورها منابع آب مشترک سطحی یا زیرزمینی با همسایگان خود دارند. امروزه رقابت بر سر دسترسی به منابع آب در حوضه های یاد شده در اثر بهره برداری بیش از حد از منابع آن تشدید شده است و وارد آمدن صدمات جبران ناپذیر به اکوسیستم آب های شیرین به علاوه وقوع تغییرات اقلیمی به صورت مستمر ذخایر آب شیرین را محدود می کند. (عراقچی، ۱۳۹۶).

آثار امنیتی این تغییرات در سطوح ملی و بین المللی به وضوح قابل مشاهده است که در ذیل به برخی جنبه های آن اشاره می شود: دسترسی نامنظم و ناکافی به منابع آب می تواند موجب ایجاد مخاطره برای محصولات کشاورزی و زندگی روستاییان شود. علاوه بر این، عدم دسترسی مطمئن به آب تهدید عمده ای برای مقاصد آشامیدنی، بهداشتی، تولید برق، سلامت عمومی و در نهایت افزایش ریسک های امنیتی جوامع را در پی خواهد داشت. طبیعی است تهدیدات امنیتی ناشی از کم آبی و تغییرات اقلیمی در مناطق آسیب پذیر مانند خاورمیانه، ساحل صحرا و جنوب آفریقا بیش از سایر مناطق احتمال وقوع دارند.



کشورهای بالادست معتقدند که اجرای طرح احداث سد آنها را قادر می کند که با تولید برق آبی، کنترل سیلاب ها و افزایش ذخایر آب در دسترس، به رشد و توسعه مردم ساکن در آن مناطق کمک می کنند. این در حالی است که کشورهای پایین دست نگران محدود شدن دسترسی به منابع آب و به خطر افتادن شاخص های توسعه انسانی در قلمرو خود هستند. قدر مسلم، وجود حوزه های فرامرزی و مشترک باعث افزایش وابستگی متقابل کشورهای حوزه خواهد شد؛ چرا که وابستگی طرفین به آب حوضه مشترک، آنها را به همکاری با یکدیگر وادار می کند. با این حال در کمتر از نیمی از حوزه های فرامرزی، نحوه تقسیم و مدیریت آب از طریق قراردادها و موافقت نامه های رسمی تعیین شده است.

- مدیریت جامع منابع آب

هدف از مدیریت جامع منابع آب، ایجاد سیستمی است که ضمن ارتباط دادن متقابل مدیریت منابع آب با محیط زیست و توسعه اجتماعی و اقتصادی، از انعکاس و بازخور آنها بهره مند شده و در نهایت با مشارکت بخش های مختلف تصمیم گیری های تخصیص و توسعه منابع آب صورت می گیرد. حکمرانی جامع منابع آب مجموعه ای از قوانین، روش ها و فرایندهای تصمیم گیری در مسائل مربوط به مدیریت منابع آب و خدمات وابسته است که بسیار متأثر از شرایط سیاسی و روابط حاکم بر امور بین الملل دولت هاست چرا که حکمرانی آب یک مسئله بین المللی است تا یک موضوع منطقه ای، هر چند تمامی کارکردهای آن در منطقه باید اجرا و مدیریت شوند.

با توجه به رشد پُرشتاب جمعیت و افزایش پیامدهای تغییر اقلیم، رشد تقاضای آب باعث تشدید کمبود آب شده است. لذا مدیریتی مؤثر و عادلانه با توجه به کمبود منابع آب ضروری به نظر می رسد. ارائه ای ایده ی مدیریت به هم پیوسته ی منابع آب در همین راستا بوده است. در چند دهه ی اخیر در سطح بین المللی، درباره ی این مفهوم بحث های فراوانی انجام شده است. از میان تعاریف ارائه شده در خصوص این ایده، تعریف مشارکت جهانی آب با اقبال عمومی روبه رو شده است. بر این اساس، مدیریت به هم پیوسته ی منابع آب عبارت است از "فرآیند مشارکتی توسعه و مدیریت آب، زمین و منابع وابسته، برای بیشینه سازی رفاه اقتصادی و اجتماعی، به صورت عادلانه و بدون به خطر انداختن اکوسیستم های حیاتی. اجرای مدیریت به هم پیوسته ی منابع آب، مزایای فراوانی برای حوضه ی رودخانه ها دارد. بخشی از این مزایا عبارت اند از: جلوگیری از وقوع سیل و خشک سالی، حفاظت از اکوسیستم ها (پاپلی، ۱۳۹۳).

۳- قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

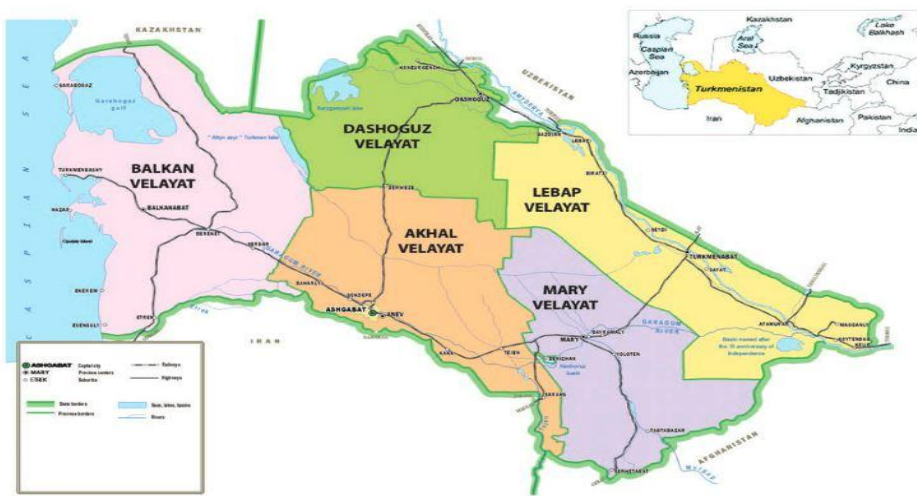
منطقه مرزی شمال شرق ایران با نگاه مناسبات هیدروپلیتیکی دنیایی از تعاملات سیاسی میان کشورهاست حوضه آبی هریرود محور اصلی مناسبات هیدروپلیتیکی کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است. این حوضه آبی با تاریخچه ای کهن نظام یافته از معاهدات سیستم تاریخی استعماری روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی است که امروزه در قالب نوین نظام های سیاسی مورد بهره برداری قرار گرفته و نظام بهره برداری آب حوضه آبی هریرود را ایجاد کرده است (اعظمی و همکاران، ۲۰۱۸). در این بخش از پژوهش به معرفی دو کشور مورد مطالعه (ترکمنستان و افغانستان) پرداخته شده است.

۳-۱- کشور ترکمنستان :

ترکمنستان در غرب آسیای مرکزی بین دریای خزر در غرب و رود آمودریا در شمال شرقی واقع شده است. این یکی از کشورهای حاشیه دریای خزر به همراه آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان و فدراسیون روسیه است. قلمرو آن از غرب به شرق حدود ۱۱۰۰ کیلومتر، از شمال به جنوب - حدود ۶۵۰ کیلومتر است. مساحت آن ۴۹۱ هزار کیلومتر مربع است. ترکمنستان سرزمینی است که با پوشش ۸۰ درصد اراضی بیابانی و نیمه بیابانی (Berdimuhamedov, ۲۰۱۵: ۱۱) در شمال شرقی کشور ایران قرار گرفته و ۹۹۲ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد. این کشور همچنین در دریای خزر با کشور ما مرز آبی مشترک دارد، که به جهت مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر نمی توان مرز آبی دو کشور را تعیین شده قلمداد نمود. قزاقستان، ازبکستان و افغانستان از دیگر کشورهای همسایه ترکمنستان به شمار می روند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). ترکمنستان در میان ۵ کشور آسیای مرکزی تنها سرزمینی است که با ایران مرز مشترک دارد. این ارتباط از ناحیه شمال شرق و از طریق استانهای خراسان، گلستان و مازندران برقرار می شود. رود اترک کوههای هزار مسجد (کپه داغ) و ترکمن صحرا مرزهای طبیعی ایران و افغانستان را تشکیل می دهند. پهنه سرزمین ترکمنستان را به غیر از نوار جنوبی کشور که قلمرو کوههای کپه داغ را شامل می شود، اراضی کم ارتفاع، بیابانی و شن زار پوشانیده است. کوههای هزارمسجد با امتداد شمال غربی - جنوب شرقی که امتداد رشته کوههای خراسان است با ارتفاع زیاد خود تعدادی از سرشاخه های رود تجن و مرغاب تغذیه می کند. قله



فیروزه با ۲۹۴۲ متر بلندترین نقطه ترکمنستان در همین کوهها واقع است. دره ها و کوهپایه های کپه داغ شرایط بسیار مساعدی برای کشت و زرع و سکونت پایدار فراهم کرده است. بیابان قره قوم که به بیابان غزنیز شهرت دارد (سارلی، ۱۳۸۰: ۱-۲)، چهار پنجم خاک این کشور را پوشانیده است. کانال عظیم ۱۱۰۰ کیلومتری قره قوم که در دوران شوروی کشیده شده باقی نقاط این سرزمین خشک و عاری از سکنه را در بر می گیرد (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سرزمینی ترکمنستان

۳-۲- کشور افغانستان

افغانستان کشوری است در جنوب غربی آسیا بین ۲۹ درجه و ۲۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه و ۳۸ درجه و ۲۹ دقیقه و ۲۷ ثانیه عرض البلد شمالی و بین ۶۰ درجه و ۲۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه و ۴۷ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول البلد شمالی واقع شده است. مساحت این کشور ۶۵۰،۰۰۰ کیلومتر بوده و حداکثر طول آن از شرقی ترین نقطه تا غربی ترین نقطه جنوبی آن ۹۱۲ کیلومتر است و این کشور محاط به مناطق خشک بوده، به دریا متصل نمی باشد، نزدیک ترین بندر دریایی به آن، بندر کراچی با فاصله ۷۲۷ میل می باشد. این کشور در شمال پیوسته است به کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از طرف غرب به کشور جمهوری اسلامی ایران و از شرق و جنوب به کشور پاکستان و از طرف



در راستای موفقیت پروژه‌های بزرگ اقتصادی منطقه و غیره نقش فوق العاده مهم داشته باشد (رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۱۶).

هرچند موقعیت افغانستان یک موقعیت بری محسوب می‌گردد، اما موقعیت جغرافیایی آن با توجه به همسایگی با کشورهای مهم و پس از کشف نفت و گاز در حوزه‌های آسیای مرکزی و خلیج فارس موقعیت مهم استراتژیک به این کشور در نزدیکی و برقراری ارتباط با مناطق مذکور بخشیده است. همچنین همین موقعیت استراتژیک باعث مبدل شدن افغانستان به یک منطقه حایل در دوره رقابت دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیا در قرن ۱۹ و جنگ سرد در قرن ۲۰ گردیده بود. این موقعیت خاص جغرافیایی در قرن حاضر نیز باعث توجه جدی غرب و بخصوص ایالات متحده در حضور مستقیم و دراز مدت برای پیگیری منافع ژئواستراتژیک غرب در منطقه گردیده است.

افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل ارتباطی بری میان شبه قاره هند، آسیای مرکزی و خلیج فارس از اهمیت ژئوپولیتیک و اقتصادی بسزایی برخوردار است. نظر بعضی از اعضای جامعه‌ی بین‌المللی این است که بیشتر مشکلات امنیتی و ثبات جهان از شرق میانه و منطقه‌ی که افغانستان را احاطه کرده است سرچشمه می‌گیرد. بناً، امنیت و ثبات افغانستان نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای تمام جهان اهمیت حیاتی دارد. برخلاف چین و فدارتیف روسیه دیگر کشورها عمده دسترسی عملی به ذخایر بزرگ انرژی آسیای میانه و منطقه‌ی بحیره کاسپین نداشته و در تلاش این هستند تا از این منابع درچوکات روابط اقتصاد بازار مستفید گردند. افغانستان می‌تواند یکی از گزینه‌ها برای احداث زیربنای انتقال منابع انرژی باشد.

۴- یافته‌ها :

هدف اصلی پژوهش حاضر، آینده پژوهی دیپلماسی آب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مطالعه موردی افغانستان و ترکمنستان است. در انجام این پژوهش از روش شناسی ترکیبی استفاده شده است. روش ترکیبی مورد استفاده در این پژوهش از نوع روش تحقیق ترکیبی تبیینی- اکتشافی است که در دو مرحله کمی و کیفی به صورت پی در پی انجام شده است. استفاده از روش‌های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد را به عنوان روش ترکیبی می‌خوانند. روش کیفی در سوال اول و دوم پژوهش (دیپلماسی ایران با کشور افغانستان در زمینه رودخانه‌های مرزی چگونه است؟ و دیپلماسی ایران با کشور ترکمنستان در زمینه رودخانه‌های مرزی چگونه است؟)، انجام

شده و سپس جهت پاسخ به سوال دو سوال مذکور در راستای اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران و آینده پژوهی دیپلماسی آب از روش کمی استفاده شده است. پژوهش حاضر با توجه به هدف اصلی پژوهش و سوال‌های مطرح شده در بخش اول یک پژوهش بنیادی و دارای ماهیت توصیفی - تحلیلی ژرفاگرایانه و در بخش دوم یک پژوهش کاربری است.

اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با کشور افغانستان و ترکمنستان در زمینه رودخانه های مرزی

بر اساس طرح مسئله پژوهش در راستای بررسی آینده پژوهی دیپلماسی آب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای سؤال اول و دوم پژوهش اهدافی به صورت زیر مطرح گردید.

- سیاست‌های راهبردی موثر بر مناسبات دیپلماسی آب ایران با کشورهای افغانستان و ترکمنستان

- اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با افغانستان در زمینه رودخانه‌های مرزی

- اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با ترکمنستان در زمینه رودخانه‌های مرزی

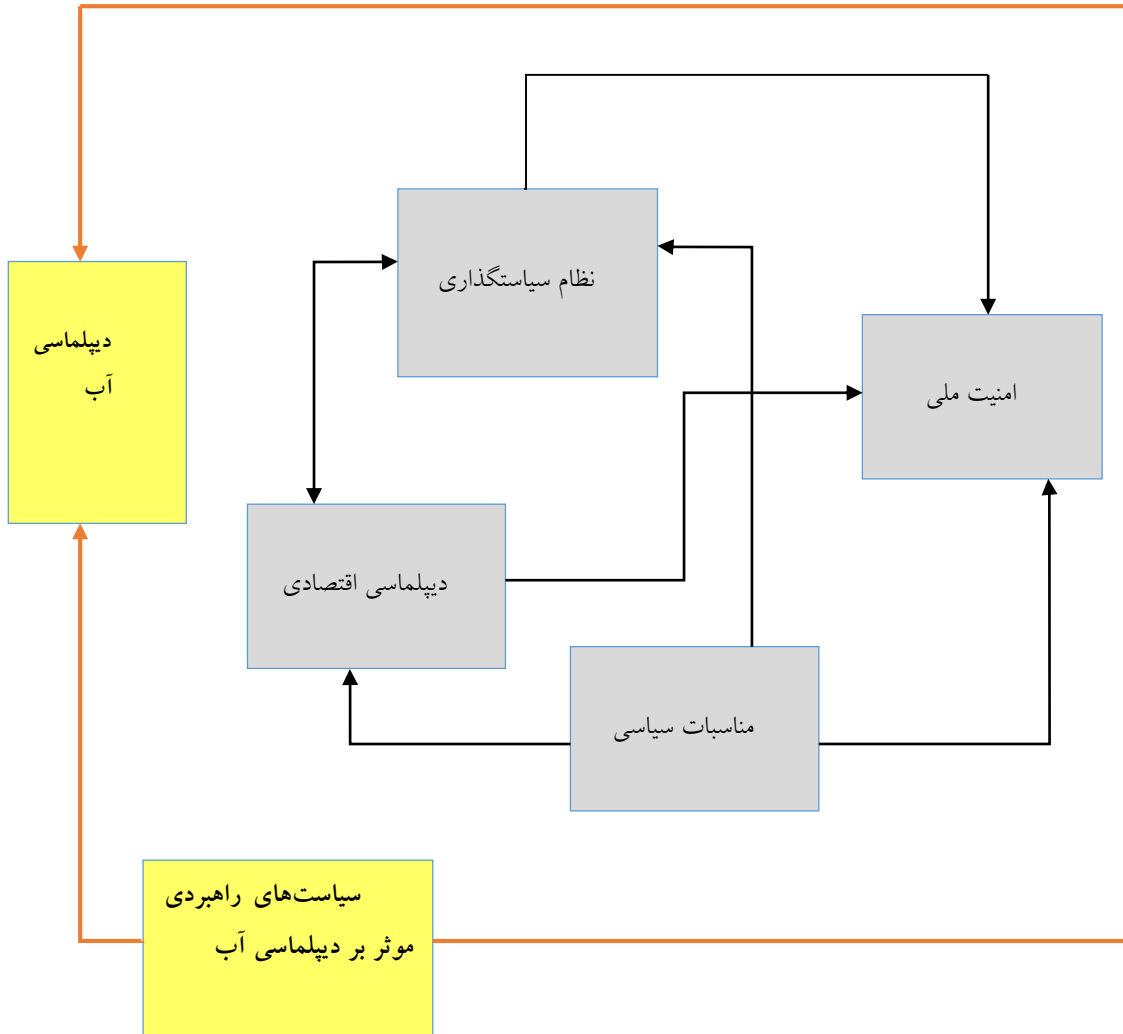
دستیابی به اهداف فوق با روش تحلیل کیفی و تحلیل مسیر انجام شده است. در ابتدا برای شناسایی سیاست‌های راهبردی موثر بر مناسبات دیپلماسی آب ایران با کشورهای افغانستان و ترکمنستان از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

مناسبات دیپلماسی آب به یک عامل، فاکتور و راهبرد وابسته نیست، بلکه از راهبردهای گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که هر یک به چرخه استوار است و برای شکل‌گیری دیپلماسی آب ضرورت دارد؛ به طور مثال روابط اقتصادی که می‌تواند به شکل‌گیری دیپلماسی آب منجر شود، بر برنامه‌های توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، امنیت غذایی و همانند این موارد تأکید داشته باشد. مناسبات سیاسی و سیاستگذاری که به دیپلماسی آب در کشورهای حوضه آبریز منجر می‌گردد، ممکن است بر جایگاه افغانستان و ترکمنستان در سیاستهای خارجی ایران تأکید کند. این موارد سیاست‌ها و راهبردهای مناسبی را برای شکل‌گیری مناسبات دیپلماسی آب ایران فراهم می‌کند که به امنیت و



سیاست پایدار بینجامد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاصل از مصاحبه و تکنیک دلفی مهمترین سیاست‌های راهبردی موثر بر مناسبات دیپلماسی آب ایران عبارتند:

- ✓ مناسبات سیاسی (جایگاه افغانستان و ترکمنستان در اهداف سیاست خارجی ایران، برگزاری نشست‌های سیاسی میان رهبران دو کشور، جایگاه ترکمنستان در اهداف سیاست خارجی ایران، توافق‌نامه‌های حقبه ایران از رودخانه‌های مرزی، عملکرد نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در موضوع منابع آبهای فرامرزی، اعتماد)
- ✓ نظام سیاستگذاری (نقش و دیدگاه نخبگان سیاسی، وجود قوانین الزام‌آور، طرح‌های توسعه آبی، اعتماد، توجه جدی به مسئله آب در برنامه‌های توسعه، دیدگاه نخبگان سیاسی)
- ✓ امنیت ملی (امنیت منابع آبی، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، نقش قدرت جهانی در مناسبات دیپلماسی آب، نفوذ کشورها در تهیه قوانین مربوط به آب، تعارض منافع راهبردی دو کشور، قدرت ملی، موقعیت جغرافیایی بالادستی کشورها، ویژگی‌های جغرافیایی ایران)
- ✓ دیپلماسی اقتصادی (امنیت انرژی، ایجاد اشتغال، برنامه‌های توسعه اقتصادی، وابستگی متقابل اقتصادی، امنیت غذایی، تولید ثروت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی).



نمودار ۱- سیاست‌های راهبردی موثر بر دیپلماسی آب

برای نیل به اهداف اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با ترکمنستان در زمینه رودخانه‌های مرزی و اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با افغانستان در زمینه رودخانه‌های مرزی مبتنی بر روش کمی از تحلیل مسیر استفاده شده است.



هدف اول:

- اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با افغانستان در زمینه رودخانه‌های مرزی با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون از بین چهار راهبرد سیاستی، نظام سیاستگذاری، مناسبات سیاسی، امنیت ملی و دیپلماسی اقتصادی؛ امنیت ملی بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر سیاست خارجی دارد. این مسئله نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در امنیت ملی، به همان اندازه چگونگی سیاست خارجی ایران نیز تغییر خواهد یافت. با توجه به این یافته در حوزه افغانستان نیز دیپلماسی آب تأثیر مستقیمی در سیاست خارجی ایران دارد و می‌تواند موجبات همکاری و تعامل را در حوزه منابع آبی مشترک فراهم نماید.

هدف دوم:

- اثربخشی دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران با ترکمنستان در زمینه رودخانه‌های مرزی

در حوزه ترکمنستان نیز، نظام سیاستگذاری، مناسبات سیاسی، امنیت ملی و دیپلماسی اقتصادی به عنوان چهار متغیر مورد مطالعه توانسته‌اند به صورت مستقیم در قالب دیپلماسی آب بر سیاست خارجی ایران در حوزه ترکمنستان و افغانستان تأثیرگذار باشند. در حوزه ترکمنستان، متغیر نظام سیاستگذاری، بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر سیاست خارجی دارد که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در نظام سیاستگذاری، به همان اندازه چگونگی سیاست خارجی ایران نیز تغییر خواهد یافت. نظام سیاستگذاری نقش مهمی در روابط آب‌های مرزی داشته و هدف‌ها و خط‌مشی‌های خود را به صورت آشکار و پنهان بکار می‌گیرند. بر مبنای چهار راهبرد شناسایی شده، دیپلماسی آب در سیاست خارجی ایران اثربخشی مستقیمی دارد.

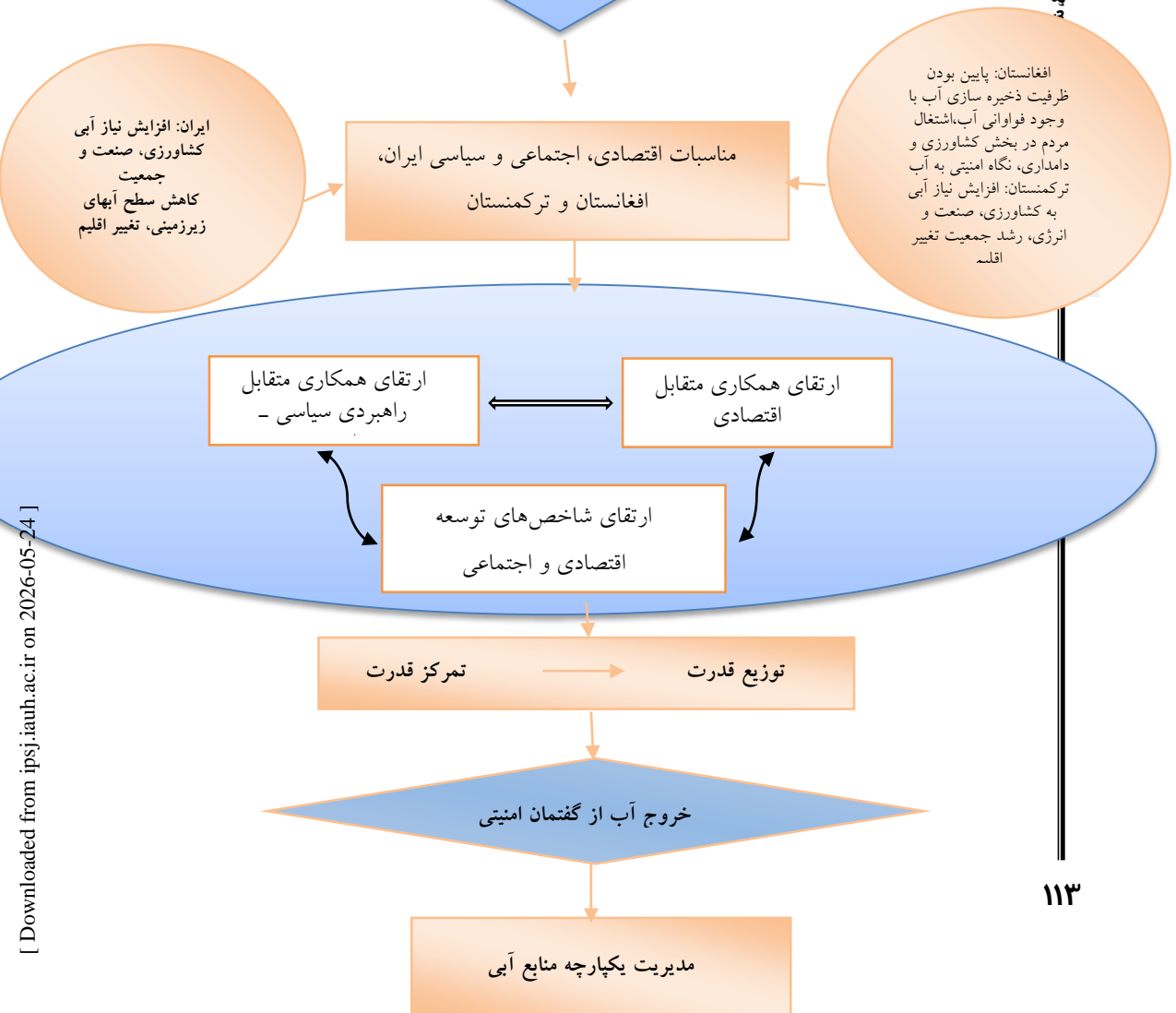
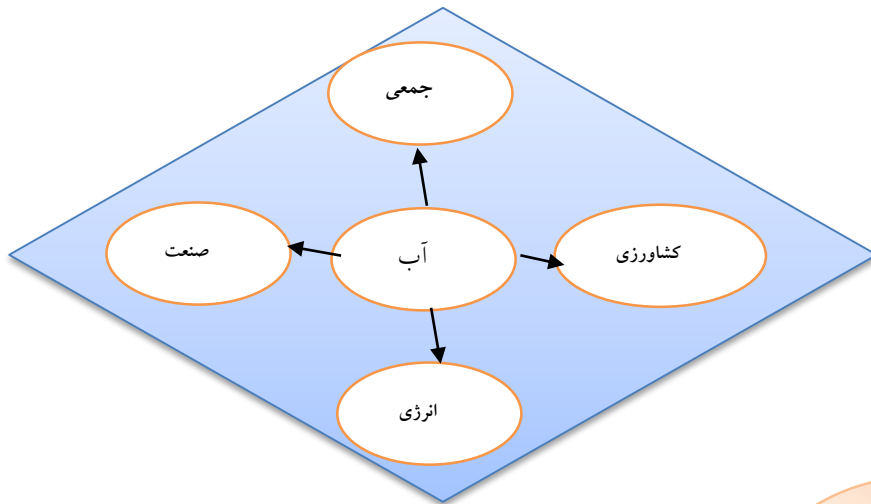
آینده پژوهی دیپلماسی آب:

با توجه به ماهیت اکتشافی هدف اصلی پژوهش، دیپلماسی آب ایران در سیاست خارجی تحت تأثیر یکسری شرایط خاص است. پاسخگویی به این بخش از پژوهش با هدف شناسایی عوامل تأثیرگذار، تأثیرپذیر، راهبردی و تدوین سناریوهای محتمل در محیط میک مک بررسی و تحلیل شد (فصل سوم). بر مبنای نتایج تحلیلی پژوهش متغیر جغرافیایی - ژئوپلیتیکی بیشترین تأثیرگذاری

و تأثیرپذیری را در سیستم دارد. متغیر فنی - اقتصادی بیشترین تأثیر پذیری غیر مستقیم و متغیر سیاسی - اجتماعی پایین ترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را دارد. در ادامه با توجه به پیشران‌های بحرانی، اتفاقات محتمل در آینده و چگونگی دیپلماسی آب ایران، بر اساس عدم قطعیت‌های انتخابی و محورهای اصلی چهار سناریو تعریف شد که عبارتند از:

- مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی
- پایش یکسویه منابع در برابر راهبرد تعاملی و همگرایی
- مهار و پایش منابع آبی
- تنش و منازع

مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی: در بین سناریوهای مطرح شده، مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی به عنوان سناریوی مطلوب شناسایی شد. مدیریت جامع و یکپارچه منابع آبی در حوضه‌ها و رودخانه‌های مشترک بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار است و می‌تواند با گرد هم آوردن کشورهای دارای منابع آبی مشترک و تبدیل تنش‌های منطقه به مشارکت برای توسعه، نیروی محرکه باشد. الگوی مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی مطابق شکل می‌باشد.



۵- نتیجه گیری

آب یکی از اساسی ترین عناصر زیست می باشد، در یک قرن گذشته با افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر به همراه بهبود شرایط زندگی و پیشرفت های صنعتی، مصرف آب افزایش یافته که منجر به کاهش سرانه آن گردیده است. با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب های سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و تنش های جدیدی بر سر مساله تصاحب منابع آب بوجود آورده است. رودخانه ها یکی از منابع دسترسی به آب برای مصارف انسانی می باشند، تعداد زیادی از رودخانه ها در فضای سرزمینی بیش از یک کشور جریان دارند که اختلاف هایی بین کشورهای حوضه این رودها برای استفاده از آب وجود دارد.

منابع آبی مشترک به عنوان یکی از زیرمجموعه های ژئوپلیتیک با توجه به رویکردهای سیاسی لیبرالیسم و سازه انگار این قابلیت را دارند که موجب همکاری و تعامل بر اساس قراردادهای مبتنی بر دیپلماسی آب شوند با رویکرد سازه انگارانه و با توجه به انگاره های ذهنی مشترک رودخانه های مرزی مشترک، زمینه را برای تعامل و همکاری فراهم می کنند. همچنین منابع آبی مشترک بر اساس نظریه بازی های همکارانه، امکان برقراری تعامل و همکاری بین کشورهای حوضه آبهای مشترک را دارا هستند.

ایران به دلیل واقع شدن در منطقه ای گرم و خشک با بحران آب روبه رو بوده و بر سر مدیریت منابع آب مشترک خود با کشورهای همسایه همواره اختلاف داشته است که این اختلافات گاه به درگیری لفظی نیز انجامیده است. مصداق بارز این مسئله کشور ایران با افغانستان و ایران با ترکمنستان است. با توجه به مطالعه صورت گرفته وضعیت هیدروپلیتیکی ایران در زمینه رودخانه های مرزی با افغانستان علی رغم توافق نامه های دو جانبه همواره با چالش همراه بوده است. در مقابل روابط ایران با ترکمنستان در زمینه آب های مشترک مرزی مبتنی بر حسن همجواری و احترام به تعهدات دوجانبه بوده است.



آب و رودخانه‌های فرامرزی، همواره سرچشمه تنش‌ها و کشاکش‌های میان ایران و همسایگان خود بوده است و بهترین راه‌حل برای دستیابی به سهم منصفانه از آب رودهای بین‌المللی، مدیریت صحیح منابع آب و جلوگیری از اتلاف آب و آلودگی آن و همچنین کمک به حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری بین کشورهای دارنده منابع آبی مشترک، برای استفاده از آن، در قالب بکارگیری دیپلماسی کارآمد، در رابطه با آبهای فرامرزی می‌باشد. دیپلماسی آب‌های مرزی و فرامرزی با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، استراتژیک ایران، به عنوان ابزاری ضروری تلقی می‌شود.

حوضه آبی هریرود، هیرمند، اترک محور اصلی مناسبات هیدروپلیتیکی کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است. همواره یکی از کارکردهای دیپلماسی آب، تأمین امنیت و منافع کشورها در بعد بین‌المللی است و کشورهایی که از منافع مشترک آبی برخوردارند، با کمک دیپلماسی منابع آب، منابع آبی خود را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که از نظر سیاسی، اقتصادی، پیوندهای پیچیده آب‌های فرامرزی، پایداری و ثبات منطقه‌ای در بالاترین حد ممکن تأمین شود، اما مناسبات دیپلماسی آب به یک عامل، فاکتور و راهبرد وابسته نیست، بلکه از راهبردهای گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که هر یک به چرخه استوار است و برای شکل‌گیری دیپلماسی آب ضرورت دارد. مهمترین سیاست‌های راهبردی موثر بر مناسبات دیپلماسی آب ایران بر اساس مطالعه انجام شده، عبارتند از:

- ✓ مناسبات سیاسی
- ✓ نظام سیاستگذاری
- ✓ امنیت ملی
- ✓ دیپلماسی اقتصادی

سیاست‌های راهبردی مذکور نقش موثری بر دیپلماسی آب دارند. به طوری که هر کدام از آنها با ایفای نقش بسترهای امنیت ملی و اقتصادی را فراهم می‌کنند. نظام سیاستگذاری نیز با شکل‌گیری مناسبات سیاسی نقش مهمی در روابط آبهای مرزی دارند و هدف‌ها و خط‌مشی‌های خود را به صورت آشکار و پنهان بکار می‌گیرند.

دیپلماسی آب ایران - در قالب سیاست‌های راهبردی - بر سیاست خارجی ایران در ارتباط با منابع آب‌های مرزی تأثیرات مستقیم و قابل توجهی دارد. به طوری که نادیده گرفتن هر کدام از راهبردها منجر به خدشه‌دار شدن روابط بین کشورهای مورد مطالعه خواهد شد. دیپلماسی آب ایران در قالب راهبردها، قوانین و غیره اگر چه دستاوردهای مثبت و قابل توجهی داشته است؛ ولی در حوضه مدیریت یکپارچه منابع آبی ناموفق عمل کرده و نتوانسته است اختلاف‌های فرسایشی، تنش‌های آبی در حوضه‌های آبریز مرزی را حل کرده و روابط بین کشورها را به سوی همکاری سازگارانه سوق دهد.

تحقق همکاری سازگارانه مبتنی بر الگوی جامع‌تری است که همه ابعاد اقتصادی و سیاسی و پیوندهای پیچیده آب‌های فرامرزی را مورد توجه قرار دهد. این مطالعه دیپلماسی آب در سیاست خارجی ایران را بر اساس شاخص‌های تأثیرگذار بر اهمیت راهبردی رودهای مرزی کانون توجه قرار داده است. در این راستا، مبتنی بر بنیاد یافته‌ها، سیاست‌های راهبردهای زیر به عنوان سناریوهای محتمل بر دیپلماسی آب در سیاست خارجی ایران تأثیرگذار است:

- مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی
- پایش یکسویه منابع در برابر راهبرد تعاملی و همگرایی
- مهار و پایش منابع آبی
- تنش و منازعه

نتایج تحقیقات کاویانی‌راد (۱۳۹۹)، ربیعی (۱۳۹۶) نتایج این بخش از پژوهش را تایید می‌کنند.

با توجه به نتایج بدست آمده پژوهش، گزاره زیر ارائه می‌شود:

«دیپلماسی آب و حل مسائل آبی، بدون توجه به مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی در سیاست خارجی ایران اثربخش نبوده و روابط بین کشورها به سمت تنش حرکت خواهد کرد. بنابراین مدیریت یکپارچه و جامع‌نگر منابع آبی در راستای دیپلماسی فعال آب در سیاست خارجی ایران از اثرگذاری بیشتری برخوردار است.»



مقاله مورد نظر منتج از رساله دکترای اینجانب تحت راهنمایی دکتر میر کوشش بوده و
ماحصل تحقیق انجام شده در زمینه مباحث هیدروپلیتیک فیما بین کشورهای مورد نظر می
باشد.

۶-منابع

اسلامی، روح‌اله؛ سرحدی، رضا و مهدی فیضی (۱۳۹۸). راهبردهای دیپلماسی تأمین حقایق رودخانه
هیرمند، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۳۰ (پیاپی ۶۰).

ارشدی، محمد (۱۳۹۴). آب و توسعه از منظر حکمرانی، تهران: اندیشکده تدبیر آب
ایران.

احمدی، آزاده (۱۳۹۴). تخصیص منابع آب در رودخانه‌های مرزی با دیدگاه نگاه مشترک (مطالعه
موردی: رودخانه هریرود)، استاد راهنما: علی شوقی جوان، پایان نامه کارشناسی ارشد،
دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.

اعظمی، هادی؛ مشایخی، محرم؛ نسیمی، زهرا و فرشید روزبه (۲۰۱۸). جایگاه دیپلماسی آب در
مناسبات هیدروپلیتیک شمال شرق ایران - مطالعه موردی: حوضه ی آبی هریرود، همایش
دیپلماسی آب و فرصتهای هیدروپلیتیک غرب آسیا.

پاک‌نژاد متکی، حمیدرضا و عزت‌اله عزتی (۱۳۹۰). هیدروپلیتیک رودخانه مرزی اترک و تأثیر
آن بر روابط ایران و ترکمنستان، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره
۱۴.

پیشگاهی فرد، زهرا و کمال رنجبری (۱۳۹۹). تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ترکمنستان با تاکید
بر دیپلماسی آب و انتقال انرژی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۴۱۷-
۳۹۱.

ربیعی، حسین (۱۳۹۶). رودخانه های مرزی، تنگنای جغرافیایی و راه حل های دیپلماتیک، مقالات **همایش دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپلیتیک غرب آسیا**، ۸ و ۹ اسفند ماه ۱۳۹۶، تهران - دانشگاه خوارزمی.

زرقانی، سید هادی، لطفی، امین، نقش رود های مرزی در همکاری و همگرایی منطقه ای-نمونه موردی هریرود و سد دوستی، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای**، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰

حافظ نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز و جعفر علی زاده (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، **فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا**، دوره ۱۰، شماره ۲.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل، **پژوهش حقوق و سیاست**، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان

سینایی، وحید (۱۳۹۰). هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره دوم.

عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳). دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره ۴، ۱۱۹-۹۱.

عراقچی، سیدعباس و مریم حجازی (۱۳۹۵). **دیپلماسی آبهای فرامرزی و نظام بین الملل: درسهایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کاوایی راد، مراد (۱۳۹۸). **هیدروپلیتیک سوبه ها و رویکردها**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کاوایی راد، مراد و همکاران (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل متغیرها و شاخص های موثر در اهمیت راهبردی هریرود برای ایران با رویکرد تحلیل تاثیرات متقابل، **مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال ۱۹، شماره ۵۵.



کریمی، سیدسلیمان (۱۳۹۹). تاثیر رودخانه مرزی هریرود بر روابط هیدروپولیتیک ایران و افغانستان، **فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی**، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۱۷-۳۴.

متقی، افشین و همکاران (۱۳۹۸). واکاوی و آسیب شناسی مدیریت منابع آب در ایران (نمونه پژوهشی: استان زنجان)، **فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای**، سال نهم، شماره ۴.

کریمی پور، یدالله (۱۳۹۴). **جغرافیا؛ نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)**، تهران: انتشارات انتخاب.

متقی، افشین و همکاران (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل عوامل موثر در مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان در حوضه آبریز هریرود، **دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان**، سال دهم، شماره ۳۴.

مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه هایی برای ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال چهاردهم، شماره ۵۰.

موسوی، سید رسول (۱۳۸۷). **ترکمنستان، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۲۶.

The future study of water diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, a case study of Afghanistan and Turkmenistan